



پژوهش، مطالعات و اسناد ایرانی
وزارت اطلاعات ایران

بررسی وضعیت آموزش و پژوهش

علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران

به اهتمام حسین سلیمانی



راهکارهای بهینه/کاربردی‌سازی علوم سیاسی (حضور مؤثر در نهادهای تصمیم‌گیری)

* محسن خلیلی*

مقدمه

علوم سیاسی، رشته‌ای میان‌رشته‌ای است. گاهی اوقات از اصطلاح «چهارراه علوم انسانی» برای توصیف درون‌مایه‌های رشته علوم سیاسی بهره گرفته شده و این به معنای گستردگی دانش‌هایی است که در دروس علوم سیاسی از آن‌ها بهره‌های گوناگون گرفته می‌شود. دانش‌های پشتیبان همچون تاریخ، اقتصاد، جامعه‌شناسی، حقوق، فلسفه، روان‌شناسی و مدیریت سبب شده‌اند در پیوند با دامنه اختصاصی علم سیاست، دانش‌های میان‌رشته‌ای همچون تاریخ دیپلماسی، اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، فلسفه سیاسی، حقوق عمومی، مدیریت سیاسی/دولتی و روان‌شناسی سیاسی پدیدار شوند. امروزه از انسان‌شناسی سیاسی، قوم‌شناسی سیاسی، جمعیت‌شناسی سیاسی، زیست‌شناسی سیاسی، جغرافیای سیاسی و زیان‌شناسی سیاسی به عنوان

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

دانش‌های جدید و مورد توجه بسیار نیز سخن به میان آمده است. فرهیختگان علوم سیاسی همانند بسیاری از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، امروزه، دچار یک معضل اساسی شده‌اند زیرا نمی‌دانند که پس از فارغ‌التحصیل شدن از آموخته‌های خود چگونه و در کجا می‌توانند و باید استفاده کنند و نیز نمی‌دانند که جامعه چه انتظاری از آنان دارد (۱). از یکسو، میان عرضه و تقاضای فرهیختگان علوم سیاسی، هماهنگی وجود ندارد؛ از دیگر سو، بازار کار نیز چندان خواهان به کارگیری آنان نیست؛ و فرجام کار نیز چنین شده است که در میان حکومت‌گران، علوم سیاسی به‌مثابة رشته‌ای ناقد/مزاحم تلقی شده که دانش‌آموختگان آن، تنها توانایی به چالش کشیدن ساختار قدرت سیاسی را یافته‌اند. گرچه علم سیاست در فرجام کار درباره عمل سیاسی به بررسی و نقد می‌پردازد و تلاش می‌کند رفتار سیاسی افراد، جماعت‌ها و دولتها را بررسی کند، ولی به عنوان رشته‌ای از دانش، از حوزه عمل سیاسی مستقل است و از این رو دانش‌آموختگان دانش سیاسی مثلًا برخلاف دانش‌های فنی حتماً به حرفة‌های سیاسی روی نمی‌آورند (۲). اکنون به تدریج نوعی بدینی دوگانه میان دانش‌آموختگان علم سیاست و زمامداران ساختار قدرت، حاکم شده و علوم سیاسی را از حیز انتفاع انداخته و آن را تنها به یک رشته درسی کاملاً نظری و متکی بر آموخته‌ها و محفوظات تبدیل ساخته است. رسالت اساسی علوم سیاسی، نقد شیوه حکومت‌گران، سیاست‌مداران و نخبگان سیاسی است؛ اما افزون بر آن، برنامه‌ریزی وضع مطلوب و پیشنهاد شیوه‌های اعمال زمامداری خوب، از کارویژه‌های بنیادین رشته علوم سیاسی است. «بدینی دوگانه» سبب شده است دانش‌آموختگان علم سیاست یا آموخته‌های خود را در جهت همسو و هماهنگ‌سازی با گرایش‌های سیاسی نیروهای حاکم

به کار اندازند و یا به‌طور کلی به کارهایی بپردازنند که با داشته‌ها و یافته‌های علمی آنان، کمترین پیوند را داشته باشد. در هر دو حالت، هیچ‌کس برنده واقعی نیست. گرچه بهتر است هر دو سوی ماجرا را بازندگان تلقی کنیم. بن‌مایه رشته علوم سیاسی، نظریه است. پرسش اصلی آن است که چگونه می‌توان ثوری را به فن یا تکنیک هم‌پیوند نمود؟ چگونه می‌توان رشته علوم سیاسی را قابل استفاده‌تر یا کاربردی‌تر کرد؟ چگونه می‌توان ثوری‌ها را به مبنای سیاست‌گذاری تبدیل نمود؟ کارویژه‌های بنیادین علوم سیاسی از این قرار است: قابل توضیح و تفسیر ساختن پدیده‌های سیاسی و حکومتی، پیش‌بینی روندهای آینده در قالب سناریوهای محتمل، و استمداد از دانش به منظور قابل کنترل و بهره‌برداری کردن پدیده‌های سیاسی (۳). این مقاله حاوی برخی اظهارنظرها و پیشنهادها جهت کاربردی‌سازی علوم سیاسی و متکی بر یک توصیف آسیب‌شناسانه است: واقعیت‌های موجود در رشته علوم سیاسی نوعاً با آرمان‌ها و ایده‌آل‌های اولیه دانشجویان تطابق ندارد. تیره بودن و محدودیت فرصت‌های شغلی برای دانش‌آموختگان علوم سیاسی نیز سرخوردگی ناشی از گستالت واقعیت‌ها و ایده‌آل‌ها را تشدید کرده و مجموعاً موجب کاهش امید دانشجویان گردیده (۴) و افت آموزشی و افت انگیزشی آنان را موجب می‌شود (۵). اهداف برنامه درسی علوم سیاسی نیز افزون بر آموزش و پژوهش در علم سیاست، اعتلای علم سیاست و اعتلای ارزش‌های اصیل انسانی و پیدا کردن امکان تفahم با ملت‌های دیگر براساس ارزش‌های انسانی مشترک، تربیت افراد کارآمد با توانایی علمی که قابلیت تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی/اجتماعی ایران و جهان را داشته باشند و بتوانند در ارگان‌های اجرایی کشور متمرثمر واقع شوند (۶)، مدنظر آورده و به‌ویژه بر این نکته تاکید شده است که رشته

فرهنگی یاور باشد؟ آیا دانشجوی خلاق و دارای قوّه تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی تربیت کرده است؟ آیا وی را آماده انجام تحقیقات مستقلی در موضوعات سیاسی و اجتماعی (میدانی) کرده است؟^(۸) این مقاله تنها بر ارائه راهکار استوار شده است و به توصیف نظری ماهیت رشته علوم سیاسی نمی‌پردازد. آسیب‌شناسی برنامه درسی علوم سیاسی، فرصتی دیگر می‌طلبد. به نظر می‌رسد بهینه‌سازی سرشت و سرنوشت رشته علوم سیاسی در گرو کاربردی‌سازی آن است. به تدریج می‌باشد از ساحت نظر جدا شد و به حیطه عمل راه یافت و این راهیابی، نه به معنای تفکیک مطلق میان ماهیت‌های توریک و پراتیک است که چنین امری، شدنی نیست؛ بلکه به طرزی دقیق به معنای آن است که علوم سیاسی، از این پس، نه تنها در مقام ناقد و مدعی قدرت سیاسی، بلکه در مقام برنامه‌ریز و حمایتگر، جلوه کند و تلاش نماید ماهیت عملکردی ساختار قدرت سیاسی به شناخت و دسترسی به منافع ملی ایران زمین رهنمون شود. نگارنده در مقام توصیف ماهیت رشته علوم سیاسی نیست و اکنون قصد ندارد به ناقد برنامه درسی علوم سیاسی تغییر وضع دهد؛ بلکه در مقام ارائه پیشنهادهایی است که گمان می‌برد می‌تواند به کاربردی‌سازی رشته علوم سیاسی منجر گردد.

۱) تغییر و تحول در برنامه درسی

برنامه درسی رشته علوم سیاسی دست‌کم متعلق به دو دهه پیش است. اگر ماهیت بسیار سیال سیاست را مدئن‌ظر آوریم، می‌توان بر این نقطه نظر اجماع آرا یافت که اکنون زمان بررسی ژرف‌کاوانه دروس و تغییر و تحول بنیادین آن فرا رسیده است. نگارنده تنها در صدد آن است که به ماهیت عمل‌گرایانه دروس علوم سیاسی نکته‌هایی بیفزاید.

علوم سیاسی باید دانش‌آموختگانی را بپروراند که بتوانند نیروی انسانی مورد نیاز وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های عمومی کشور به‌ویژه وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزارت آموزش و پرورش، وزارت آموزش عالی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را تأمین کند؛ زیرا وظيفة دانشگاه تربیت لشکر کارمندی برای تزریق به دستگاه پهن‌گستر و عقب‌مانده دیوان‌سالارانه نیست، بلکه دانشگاه مایل است کارویژه خود را در تولید و بسته‌بندی دانش جدید، آینده‌نگری و تولید نرم‌افزارهای تغییر اجتماعی و درونی کردن هنجارهای مدرن جست‌وجو کند. فرهیخته علوم سیاسی در یک فرایند منطقی می‌باشد با منطق زیربنایی نگرش‌ها و روش‌ها (مانند تبیین‌های گوناگون همبستگی، کارکردی، انگیزشی، تاریخی و نوع آرمانی) آشنا گردد و با کاریست روش‌های گوناگون بررسی پدیده‌های سیاسی مانند رفتارگرایی، تحلیل سیستم‌ها، نظریه تصمیم‌گیری، نظریه مبادله، گزینش عقلانی، گزینش عمومی، بازی‌ها، مدل‌های فضایی، نظریه انتلاف، نگرش سیبریتیک و نظریه گروه‌ها^(۷) بتواند از تکیه صرف به داده‌های تاریخی و آموخته‌های نظری جدا شود. این مقاله گامی است در جهت کاربردی/بهینه‌سازی رشته علوم سیاسی؛ زیرا یک برنامه‌ریزی مطلوب باید در برگیرنده این نکته باشد که دانش‌آموخته می‌باشد به چه مهارت‌هایی مجهز و آن برنامه در جهت پاسخ‌گویی به چه ضرورت‌هایی در جامعه طراحی گردد؛ بنابراین هم نیازهای فردی فارغ‌التحصیلان از جهت بازار کار و فعالیت و هم ضرورت‌های اجتماعی از حیث مسائل و خلاهایی نظیر غلبه بر عقب‌ماندگی و تمدن‌سازی باید در محور برنامه‌ریزی درسی باشد. تا چه میزان محتوای دروس علوم سیاسی بومی و ایرانی است؟ تا چه حد آموخته‌های دانشجو می‌تواند وی را در بازار کار و فعالیت‌های اجتماعی/

راهکارهای بهینه / کاربردی‌سازی علوم سیاسی... / ۵۹۱

الف. برخی از دروس علوم سیاسی می‌بایست حذف گردد؛
 ب. در برخی از دروس می‌بایست نوعی بهبود کیفیت صورت گیرد؛
 ج. برخی از دروس نیز می‌بایست به طرزی ابتکاری ایجاد شوند؛
 د. اضافه کردن درس کامپیوتر با گرایش پژوهش در علوم سیاسی، سبب تسهیل در کاربرد روش‌های نوین و کاربست نرم‌افزارهای گوناگون در فرآیند پژوهش می‌شود. این امر سبب می‌گردد دانشجو از فضای صرفاً نظری بیرون آمده و یاد بگیرد چگونه می‌تواند با کاربست روش‌ها و بسته‌های نرم‌افزاری به تحلیل نزدیک به واقع دست یابد؛
 ه. اضافه کردن درس منطق ریاضی / مسائل بنیادین ریاضی به دروس پایه، سبب منضبط‌سازی ذهن و قاعده‌مند ساختن تحلیل و پژوهش نزد دانشجو می‌شود. غرق شدن در داده‌های بی‌شمار تاریخی / تئوریک به دانشجو قدرت تمیز نمی‌دهد و او را قادر قدرت تحلیل می‌کند. بارها شاهد نالیدن دانشجویان رشته علوم سیاسی بوده‌ایم که بر این باور بوده‌اند که دانشجویان رشته‌های فنی، تحلیل‌های دقیق‌تر و منسجم‌تری از اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی در چتنه دارند. بی‌گمان ذهن ریاضی‌وار، قدرت ابداع تحلیل بهتری دارد زیرا می‌تواند به سرعت داده‌ها را دسته‌بندی کند و ضمن پیوند دادن منطقی میان قضایای همانند، تحلیل نزدیک به واقعیت ارائه دهد و یا دست‌کم انسجام ظاهری قابل پسندی را در نحوه ارائه تحلیل به نمایش گذارد؛
 و. اضافه کردن درس آمار، ضمن تجهیز دانشجو به فنون آماری، او را آماده پژوهش‌های میدانی و پیمایشی می‌کند. از این‌رو، دانشجو می‌تواند از فضای سنگین نظریه صرف، به محیط عمل اجتماعی رجوع کند و خود دست به تحلیل داده‌های به دست آمده بزند. آمار سبب نزدیک شدن فضای ذهنی تئوریک به عمل واقعی درون اجتماع می‌گردد؛
 ز. یادگیری مبانی فلسفه به ژرفایی تحلیل با تکیه بر چیزی‌ها و چرایی‌ها مدد می‌رساند. ارزش فلسفه در پرسش‌هایی است که برمی‌انگیزد و موفقیتی است که در پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها حاصل می‌کند (۹). قدرت یک فرهیخته علوم سیاسی در ارائه تحلیل‌های منسجمی است که در پی طرح پرسش‌هایی قوی و مستدل ارائه می‌گردد. مسائلی مانند یقین و شک، خردگرایی، نسبی‌گرایی، استقرا و قیاس، تجربه‌گرایی، عینیت، اخلاق، اختیار، آزادی، مسئولیت، واقعیت، حقیقت و هویت (۱۰) به‌واقع در متن و حاشیه زندگی روزمره انسان‌ها وجود دارند، به‌ویژه آنکه کلیه مسائل موجود در سیاست به نحوی بنیادین ریشه در مسائل و معضلات فلسفی دارند. یادگیری فلسفه، فرهیخته علوم سیاسی را قادر می‌کند در تحلیل مسائل سیاسی، از زیربنا آغاز نماید و مبانی استدلال خود را بر پایه‌های یقین استوار گردد. مسائل اساسی فلسفه به فرهیخته علوم سیاسی یاد می‌دهد که چگونه در عرصه عمل می‌تواند مدعاهای را به شیوه مستحسن اثبات کرد.
 ح. یادگیری منطق به عنوان بخشی از دروس پایه به منظم ساختن پروسه گفت‌و‌گو کمک می‌کند. از اجزاء جدایی‌ناپذیر رشته علوم سیاسی، یکی، نحوه سخن گفتن و کاربست شیوه مذاکره و گفت‌و‌گوست؛ زیرا به سیاست به عنوان عرصه تعاملات اجتماعی تنها در سایه دیالوگ می‌توان نگاه کرد. مفاهیمی همچون استدلال سالم و معتبر، صورت منطقی، مغالطه‌های صوری و غیرصوری، گزاره‌های ضروری و احتمالی، استدلال استقرایی در مقابل استدلال قیاسی، منطق گزاره‌ها و منطق مجموعه‌ها (۱۱) به سالم و ساده‌سازی مسیر گفت‌و‌گو کمک می‌کند. یادگیری منطق، فرهیخته علوم سیاسی را آماده مذاکره می‌کند؛ گفت‌و‌گویی که در آن منفعت یک نهاد غیردولتی، یک گروه فشار، یک حزب سیاسی؛ یک فرآیند دادگاهی و در فرجام کار، منافع ملی یک ملت تامین می‌شود.

تصمیم‌گیری اقتصادی به کار می‌برند (۱۲). یادگیری دانش اقتصاد سیاسی به فرهیخته علوم سیاسی این امکان را می‌دهد که بتواند به صورت عملی در برنامه‌ریزی روندهای مربوطه به مالیات، بودجه، نفت، بازرگانی، انحصارات دولتی، بخش خصوصی و تعامل دولت و بازار دخیل شود.

۲-۲) ترویج مدیریت دولتی

اداره به معنای عام به کلیه تلاش‌هایی اطلاق می‌شود که برای دسترسی به هدف یا اهداف خاصی، نیاز به همکاری همگانی دارد. اداره فعالیتی است گروهی، سازمانمند و هدفمند که فقط به قصد اجرا شدن و تنظیم امور به منصب ظهور می‌رسد. مفهوم دولت، یک اجتماع سیاسی را به ذهن متبار می‌کند که شامل سه رکن قانون‌گذاری، قضاؤت و اجراست و بر عناصری چون جمعیت، سرزمین و قدرت عالی سیاسی متکی می‌گردد. با بهره‌گیری

از این تعریف مدیریت دولتی را می‌توان هماهنگ کردن کوشش‌های فردی و گروهی به منظور اجرا نمودن سیاست یا خط‌مشی عمومی دولت (۱۳) دانست که گروهی و همکارانه است، به پیوند میان تقنین و قضاؤت و اجرا متکی است، بخشی از فرآیند سیاسی است و در محیطی پهناور به نام اجتماع به اجرا درمی‌آید. فرآگیری دانش مدیریت دستگاه‌های دولتی به فرهیخته علوم سیاسی این امکان را می‌دهد که به نحوی عملیاتی با مشکلات روندهای اجرایی هم‌پیوند با خط‌مشی‌های دولت آشنا گردد و بتواند به تصدی مشاغل مرتبط با سازمان دولت از قبیل استانداری، فرمانداری، بخشداری، دهداری و سایر سازمان‌ها و نهادهای اداری پردازد. فرهیخته علوم سیاسی می‌بایست بتواند به نحوی عملیاتی نه صرفاً تئوریک، با مباحثی همچون تکرار و تداخل وظایف و مسئولیت‌ها، تعارض و تقابل اختیارات، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، تضعیف فرآیند هماهنگی و نظارت، تأخیر و

۲) ترویج گرایش‌های عملیاتی دروس علوم سیاسی

علوم سیاسی در ایران نمی‌تواند جدای از روندهای جهانی آن باشد. به تدریج می‌بایست به سمتی از بخش‌های علوم سیاسی گرایش پیدا کرد که عملی ترند. زیرا یک دانش آموخته علوم سیاسی می‌خواهد نه تنها با تکیه بر دانش نظری بلکه با درنظر گرفتن قدرت تحلیل و برنامه‌ریزی به حل و فصل عملی مشکلات پدیدار شده پردازد. یکی از راه‌های عملیاتی کردن رشته علوم سیاسی پیوند زدن آن با دانش‌های پشتیبان و رشته‌های درسی مجاوری است که از یکسو، کاربردی ترند و به دانش تئوریک صرف تکیه ندارند؛ و از دیگر سو، با روندهای جاری جامعه و زمامداری در پیوند هستند و به طرزی عمدۀ سرگرم حل و فصل معضل‌ها به شیوه عملیاتی هستند.

۲-۱) ترویج اقتصاد سیاسی

تعامل متقابل دولت و بازار، اقتصاد سیاسی را پدید می‌آورد. پرسش اصلی اقتصاد سیاسی آن است که چگونه دولتها و فرآیندهای سیاسی مربوط به آنها بر تولید و توزیع ثروت تأثیر می‌گذارند و به‌ویژه چگونه منافع و تصمیمات سیاسی بر تعیین محل فعالیت‌های اقتصادی و توزیع هزینه‌ها و منافع ناشی از این فعالیت‌ها تأثیر دارند. از سویی دیگر، این پرسش‌ها، تأثیر نیروهای بازار و اقتصاد بر توزیع قدرت و رفاه بین دولتها و دیگر بازیگران سیاسی و به‌ویژه چگونگی دگرگونی توزیع قدرت سیاسی و نظامی در سطح بین‌المللی به وسیله این نیروهای اقتصادی را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. به تعبیر دیگر، اقتصاد سیاسی آن شاخه‌ای از حکومت‌مداری است که به پژوهش عمومی در ماهیت و علل ایجاد ثروت ملت‌ها مربوط می‌شود. اما اکنون این اصطلاح را اغلب برای توصیف ابعاد سیاسی

تمامی پتانسیل‌هایی است که یک کشور واجد آن است. بنابراین مسئله امنیت ملی مستلزم درک گستردۀ و همه‌جانبه‌ای از انواع گوناگون سطح‌های تحلیل است. به تعبیر بوزان، گرچه اصطلاح امنیت ملی به‌ظاهر امری است که به سطح دولتی مربوط می‌شود، ارتباطات بین این سطح با سطوح فردی، منطقه‌ای و سیستمی به‌گونه‌ای متعدد و قوی است که کسی نمی‌تواند منکر آن‌ها شود (۱۵)؛ به عبارت دیگر پیوندی وثیق میان مطالعات مربوط به امنیت ملی و پژوهش‌های استراتژیک وجود دارد زیرا هیچ ملتی نمی‌تواند از آینده خود تصویری در ذهن نداشته باشد و گمان برد که می‌تواند به نحوی موفقیت‌آمیز به تأمین منافع ملی دست یابد. آینده‌پژوهی نشان می‌دهد که آینده از آن ملت‌هایی است که از راه طراحی استراتژی‌های کارآمد بتوانند در شکل‌دهی به آینده، موثر واقع شوند. استراتژی فن مدیریت و هدایت کلیۀ منابع جامعه در جهت تحقق و نیل به هدف یا اهداف مشخص است (۱۶) که در پیوندی محکم با تصمیم‌گیری‌های عقلانی و آینده‌نگرانه است؛ بنابراین روش‌هایی را در پیش‌می‌گیرد که برای تحت سلطه درآوردن آنچه که هنوز مسجل نیست مناسب باشد (۱۷). دانشجو و دانش‌آموخته علوم سیاسی می‌بایست با تجهیز خود به دانش‌های عملیاتی ژرفانگری چون مطالعات و پژوهش‌های امنیتی و استراتژیک بتواند در محیط‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر مربوط به طراحی آینده یک کشور به نحوی فعالانه دخیل گردد و تنها به آموزه‌های تئوریک بسته نکند. مطالعات و پژوهش‌های مربوط به امنیت ملی فرد را قادر می‌سازد دانش نظری خود را در مسیر طراحی آینده به‌نحوی کاربردی در دسترس دیگران قرار دهد.

۲-۴) ترویج علوم و فنون قانون‌گذاری

مجالس، سنگ بنیاد نظام‌های سیاسی دموکراتیک هستند. قوای قانون‌گذاری

توقف در جریان عملیات دولتی، اصلاح ساختار تصمیم‌گیری، عدم انطباق عملکردها با انتظارات و اهداف، عدم اجرای صحیح قوانین و مقررات، عدم اطلاع از چگونگی پیشرفت عملیات، کاهش کارآیی و بهره‌وری، فساد اداری، عدم تعلق سازمانی، محدودیت‌های مالی و بودجه‌ای، وجود قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، کمبود نیروی انسانی متخصص، فقدان سیستم آموزش مطابق با نیازهای نظام اداری، فقدان سیستم ارزشیابی عملکرد دستگاه‌ها، تمرکز و تراکم کلیه نیروها و امکانات در مرکز، رشد گروه‌های غیررسمی و اعمال نفوذ و سلیقه آن‌ها در تصمیمات اداری، حدود وظایف دولت در اعمال حاکمیت و تصدی‌گری، انتقال بخشی از وظایف غیرضروری دولتی به بخش غیردولتی، بازنگری در سازمان دولت، ایجاد زمینه‌های لازم و مناسب برای مشارکت موثر و همه‌جانبه مردم، استقرار نظام‌های انتخاب و انتصاب و آموزش و ارزشیابی و تنبیه و تشویق مدیریت، تقلیل نیروی انسانی غیرمتخصص و افزایش کارایی مدیران و تعیین حدود اختیارات و مسئولیت آن‌ها آشنا گردد.

۲-۳) ترویج پژوهش‌های امنیتی و استراتژیک

بدون امنیت هیچ دولت و کشوری نمی‌تواند برای اداره امور برنامه‌ریزی کند و منطقاً هیچ پیشرفته حاصل نمی‌شود. شکوفایی و بالندگی همه‌جانبه هر کشوری درگرو تأمین امنیت است. بنابراین امنیت ملی، مجموعه شرایط و امکانات پویایی است که تحقق نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را میسر می‌سازد. این شرایط و امکانات، خود، ملهم از وضع ژئوپولیتیک، ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی یک جامعه و بالاخره جایگاه آن در صحنۀ بین‌المللی است (۱۸).

توانایی یک ملت در پیگیری موفقیت‌آمیز منافع ملی خود مستلزم شناخت

حضور احزاب، گروه‌های ذی‌نفوذ، رسانه‌ها، چهره‌های سیاسی و نهادهای مدنی در لایبی‌ها و صحنه پارلمان‌ها تنها برای تاثیرگذاری بر روند تصویب لایحه‌ها و طرح‌های است. بنابراین حضور در قوهٔ قانون‌گذاری در هر شکل و مرتبه آن به‌مثابة حضور در یک آزمایشگاه بزرگ علوم سیاسی است که در آن انواع گوناگون رفتارها و پدیده‌های سیاسی شکل می‌گیرند، طراحی می‌شوند و به اجرا در می‌آینند.

۲-۵) ترویج علم و فن سیاست‌گذاری عمومی

تحلیل درون‌مایه عمل عمومی ما را به سوی دانش‌هایی همچون مدیریت، حقوق، جامعه‌شناسی و اقتصاد در پیوند با علوم سیاسی رهنمایی می‌سازد. پاسخ به این پرسش که صاحب‌منصبان عمل عمومی، چه چیزی را برای چه هدفی و با کاربست کدامیں روش‌ها تولید می‌کنند، دارای اهمیت می‌شود. برابر با هم، دارای سازمان داخلی پیچیده و پر طول و تفصیلی است. سیاست‌گذاری عمومی به عنوان علم «دولت در عمل» (۱۹) شاخه‌ای نوین از علم سیاست به حساب می‌آید. پرسش بنیادین سیاست‌گذاری آن است که شکل‌گیری منافع، چگونه می‌تواند به سیاست‌هایی خوب، مؤثر، مرتبط با اهداف ازپیش‌تعیین‌شده و دارای صرفه اقتصادی برای شهروندان منجر گردد. بررسی دیوان‌سالاری، رفتارهای سازمانی و مدیریت عمومی نشان می‌دهد که جوامع به طرزی اساسی نمی‌توانند از چنگ دولت خلاصی یابند و دولتها نیز بر خط‌مشی‌های عمومی و فرایندهای تصمیم‌سازانه و تصمیم‌گیرانه استوار هستند. جنبه کاربردی سیاست‌گذاری عمومی نشان می‌دهد که می‌توان به آن به عنوان پدیده‌ای نگاه کرد که در قالب یک عمل دولتی در یک بخش از جامعه یا یک فضای مکانی رخ می‌دهد. بنابراین سیاست‌های غذایی، سیاست‌های کشاورزی، سیاست‌های شهرنشینی، سیاست‌های قومی و سیاست‌های مربوط به حمل و نقل، در واقع به‌مثابة

— ۵۹۶ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران —

از یک سو، نهادهای انتخابی هستند و از همین رو، مظاهر احساسات، باورها و افکار شهروندان‌اند؛ و از دیگر سو، سرچشمه قوانینی هستند که کشورها براساس آن‌ها اداره می‌شوند و جوامع بر بنیاد آن‌ها، انتظام می‌گیرند. کارویژه‌های قوهٔ مقننه عبارت‌اند از سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، تعامل با دیگر قوا و شکل دادن به باورها و ایستارهای عمومی جامعه. یادگیری فنون قانون‌گذاری و قانون‌نویسی و آشنایی با سازوکار مجالس قانون‌گذار به یک فرهیخته علوم سیاسی این توان را می‌دهد که بتواند به‌ نحوی عملیاتی در فرآیندهای خط‌مشی‌گذارانه و قانون‌نویسانه دخیل شود. به‌ویژه آنکه قوهٔ مقننه هم در مقام نهاد نمایندگی و هم به عنوان نهادی با قدرت قانونی برای شکل دادن به خط‌مشی‌های عمومی باید قواعد و آیین کار دقیقی داشته باشد. همچنین مجلس قانون‌گذاری در مقام نهادی با اعضا‌ایی پرشمار و برابر با هم، دارای سازمان داخلی پیچیده و پر طول و تفصیلی است. ویژگی‌های یکتاً قوهٔ مقننه نیز به آیین کار دقیق و نسبتاً خوبی راه می‌برد. قوهٔ مقننه بیانگر تعارضات و هواداری‌های حزبی به شکلی آشکار و علنی است (۱۸). طراحی نظام داخلی کمیسیون‌های مجلس که براساس موضوع‌های مختلف، تعیین و به نحوی متناظر با ساختار وزارت خانه‌ها و تشکیلات قوهٔ مجریه می‌شود نیاز به تخصص‌های چند زمینه‌ای از قبیل علم سیاست، علم مدیریت و علم حقوق دارد. شیوه کار در صحنه علنی مجلس که به صورت جلسه عمومی، کمیسیون، جلسه عمومی، طراحی شده است نیازمند تخصص‌هایی است که عمده‌تاً توسط مراکز پژوهشی وابسته به پارلمان‌ها تأمین می‌شوند. یک دانشجوی علوم سیاسی باید ترکیبی چند زمینه‌ای از تخصص‌های چندگانه را فراگیری کند تا بتواند در هنگام دانش‌آموختگی به طرزی عملیاتی در محیط‌های پارلمانی به کار اشتغال یابد.

گذاشته‌اند و از تأثیر تاریخ و جغرافیا بر رفتار رأی‌دهی سخن گفته‌اند. تبلیغات انتخاباتی در حوزه ارتباطات سیاسی شایان اهمیت است. نقش آگهی‌های تبلیغاتی، شعارها و رسانه‌های نوشتاری، شنیداری و دیداری در انتخابات باید فراموش شود. اصل انتخابات، حق رأی، فلسفه فرمان بردن از اکثریت و مسائلی نظیر آن در فلسفه سیاسی، بحث و جنجال برانگیخته است (۲۱). انتخابات فرآیندی چندوجهی است. ثبت‌نام برای شرکت در انتخابات، تقاضای کارت رأی، تعیین صلاحیت نامزدها، شرکت در مبارزة انتخاباتی، انجام تبلیغات، حضور در پای صندوق رأی، شمارش آرا و تبدیل آرا به کرسی‌های پارلمان از جمله گام‌های همپیوند در یک نظام انتخاباتی جامع است که صرف‌نظر از تناسبی یا اکثریتی بودن آن، قانون اساسی رفتارسیاسی به شمار می‌آید؛ زیرا هم بر ثبات و پایداری حکومت‌ها تأثیر می‌گذارد و هم بر نظام حزبی، و هم آینده سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک کشور را رقم می‌زند. امروزه دانشجوی علوم سیاسی با بنیان‌های چندوجهی یک نظام جامع انتخاباتی آشنا نیست و از بایستگی‌های عملیاتی شدن قواعد و رفتارهای انتخاباتی آگاهی ندارد. بنابراین توان تأثیرگذاری عملیاتی بر شکل‌دهی فرآیندها و تصحیح مسیرها را ندارد و تنها از دور بر اجرایی شدن روندها نظارت می‌کند. این نظارت البته با شرکت عوام در پروسه انتخابات کمتر تفاوت دارد. حضور مؤثر در گام‌های گوناگون انتخابات زمانی شکل واقعی به خود می‌گیرد که دانشجو و دانش‌آموخته علم سیاست بتواند جغرافیای انتخابات، جامعه‌شناسی رأی، رفتار‌شناسی سیاسی، نحوه عملکرد احزاب سیاسی، میزان حضور لابی‌ها، تعامل رفتارهای مدنی میان نخبگان و عوام و تأثیر رسانه‌های عمومی بر فضای انتخابات را به شیوه‌ای علمی/کاربردی بشناسد.

— مجموعه‌ای از برنامه‌ها و خط‌مشی‌های دولتی هستند که نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی‌اند. به این تعبیر، هدف هر نوع سیاست‌گذاری عمومی رسیدگی به کارکردهای نادرستی می‌باشد که ممکن است میان یک بخش یا بخش دیگر یا میان یک بخش و جامعه کلان به وجود آید (۲۰). یک فرهیخته علوم سیاسی باید بتواند در نقش یک مقام سیاسی محلی یا ملی به کمک یک برنامه عملی هماهنگ، در پی تغییر محیط فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی بازیگرانی اجتماعی که در یک منطقه بخشی جای گرفته‌اند برآید. بنابراین افزون بر تجهیز به فنون و علوم مدیریت دولتی، می‌بایست به روان‌شناسی و جامعه‌شناسی محلی/قومی/مذهبی نیز آراسته شد تا بتوان به‌طرزی واقعی سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها را به فرآیندهای اجرایی متصل ساخت.

۲-۶) ترویج دانش و فن نظام‌های انتخاباتی

عمومیت یافتن حق رأی سبب شده است انتخابات به عنوان مهم‌ترین جلوه زندگی سیاسی عصر حاضر به شمار آید. فعالیت‌های انتخاباتی بخش قابل توجهی از زندگی سیاسی مردم، تلاشگران سیاسی، احزاب، گروه‌ها و نهادهای مدنی را به خود اختصاص داده است. اهمیت انتخابات موجب شده است تا علم و دانش مستقلی در حوزه سیاست و حقوق شکل گیرد. می‌توان انتخابات را به مثابة یک دانش، علمی بین رشته‌ای دانست. حقوق‌دانان به قوانین انتخاباتی، نظام انتخاباتی و ابعاد حقوقی آن می‌پردازند. رفتار سیاسی در انتخابات، توجه محققان علم سیاست و علاقه‌مندان به رفتارشناختی را به خود جلب کرده است. جامعه‌شناسان مختلفی کوشیدند رفتار انتخاباتی را با متغیرهای اجتماعی‌ای چون طبقات اجتماعی، شکاف‌های اجتماعی و موقعیت اجتماعی توضیح دهند و برخی پا را فراتر

(۳) کاهش چیرگی روایت‌گرایی تاریخی بر دروس علوم سیاسی

آسیب مهمی که امروزه دامن گیر دروس علوم سیاسی شده عبارت از غلبه گرایش‌های تاریخ‌نگارانه در متون درسی، محتوای درس‌ها، کتاب‌ها و سرفصل‌های برنامه درسی است. بسیاری از دروس علوم سیاسی چندان تمایزی با دروس رشته تاریخ ندارند. به همین جهت به دانشجو و دانش‌آموخته علوم سیاسی، بیش عمل گرایانه نمی‌دهد و تنها او را با درکی متفاوت از روایت‌های تاریخی آشنا می‌گرداند. وانگهی تلقی نادرست از وضعیت امروز با تکیه بر روایت‌های کهنه تاریخی و یکسان‌انگاری رویدادهای تاریخی سیاسی از بن متفاوت، سبب نادرستی تحلیل و درکی ناصحیح رویدادها شده است. درست یا نادرست، چه بخواهیم چه نخواهیم کشور ما درگیر نوعی بازی استعمارگرانه بوده و در رقابت ابرقدرت‌های زمانه، آسیب‌های فراوان دیده است. اما واژه‌هایی که از حیث روایت‌های تاریخی تبدیل به یک مفهوم ساختار یافته شده‌اند، مانند استعمار، استثمار، عقب‌ماندگی، واپسگی، جهان سوم، امپریالیسم، استقلال و خودکفایی، گرچه درست‌اند ولی نوعی کثرت‌ابی را در فهم رویدادهای کونی آفریده‌اند؛ زیرا با چنان واژگانی می‌توان تاریخ را تغییر کرد و شناخت ولی نمی‌توان برای زمامداری امروزین کشور به راه و روش‌هایی از بن متفاوت دست یابی‌د.

گرایش تاریخی در دروس علوم سیاسی، این رشتہ را برای تحلیل آن چه پیش‌آیش رخ داده، توانا کرده است؛ ولی از دیگر سو، سبب ناکارآمدی آن در ارائه تحلیل‌ها و راهکارهای عملیاتی برای رفع معضلات روزمره زندگی سیاسی شده است. کاهش جنبه تاریخی درون‌مایه‌های دروس علوم سیاسی و پیش‌رفتن به سوی مایه‌های عملیاتی، سبب افزایش توانمندی رشتة علوم سیاسی در شناخت معضلات اجتماعی و ارائه راهکارهای بهبودگرا می‌گردد.

۴) توجه بیشتر به تکنیک‌های کمی و روش‌های کیفی پژوهش

یادگیری انواع و اقسام روش‌های پژوهش و تکنیک‌های گردآوری داده‌ها سبب می‌شود دانشجو و دانش‌آموخته علوم سیاسی با اعتماد به نفس بیشتر و قدرت بالاتر به گفت‌وگو پردازد و با یادگیری کیفی‌تر فنون پژوهش به قدرت بالاتر برای مذکوره دسترسی پیدا کند. بنابراین به خودی خود، به رشد و بالندگی از طریق آشنایی با کاستی‌های خود مدد می‌رساند. عملیاتی نمودن پژوهش به معنای نظریه‌مند ساختن و هدایت جهت دار مشاهده است. درواقع فرآیند پژوهش در اصل به معنای مقایسه مشاهدات واقعی با انتظاراتی است که ما براساس نظریه‌هایمان از واقعیت داریم (۲۲). زیرا برای توضیح پدیده‌های سیاسی می‌بایستی محقق داوری کند که تا چه اندازه می‌تواند بر نظریه‌ها تکیه نماید.

بهره‌گیری از مدل‌ها به معنای تصویر ساده‌شده دنیای واقعی، از یکسو می‌تواند کار نظریه را در دنیایی که داده‌های کمی وجود دارند انجام دهد؛ ولی از دیگر سو، هرگز بهجای آن نمی‌تشیند. یادگیری فرآیند مدل‌سازی بهویژه با تکیه بر کمیت‌ها این توان را به محقق می‌دهد که به بررسی پیشنهادهایی پردازد که کمایش در درستی آن‌ها کمتر تردیدی روا داشته می‌شود. روش‌هایی همچون مشارکت، مشاهده، مصاحبه عمیق و بررسی استناد در جمع آوری داده‌ها می‌تواند به پژوهشگر اطمینان دهد که موضوع مورد تحقیق را به طرزی عملی، کارآمد، توأم با امکان‌سنجی واقعی و با رعایت اصول اخلاقی (۲۳) وارد حیطه پژوهش ساخته است. کاریست طیف‌های گوناگونی چون بوگاردوس، تورستن، لیکرت و گوتمن (۲۴) اجازه می‌دهد محقق، یک موضوع یا مطلب مورد پژوهش را با واحد یا مقیاس‌هایی که به طرز بین‌الاذهانی کم‌ویش ملموس باشند، اندازه‌گیری کند؛

تبیین قواعد مشاهده شده و توصیف و فهم زندگی اجتماعی براساس انگیزش‌ها و تعابیر کنشگران اجتماعی، به همراه کار بست مدل‌های کمی تحقیق می‌توانند هر دانش‌آموخته‌ای را در ارائه پاسخ‌های تحلیلی و عمل‌گرایانه به معضلات اجتماعی، کارآمد سازند؛ حال تفاوتی نمی‌کند که این پرسش‌ها بر مبنای چه آغاز شده باشند یا بر مبنای «چگونه» و «چرا»؛ ولی محقق را قادر می‌سازند که افزون بر توصیف، تشریح و تبیین به ارائه راهکار پردازد و با واقع‌گرایی و عینیت‌گرایی، مصائب اجتماعی را فهم کند و در صدد رفع محذورها و کاستی‌های جامعه برآید.

(۵) افزایش گرایش به پژوهش‌های موردی^۱
 در بسیاری از دانشگاه‌ها، دانشکده‌هایی با نام کلی «دانشکده حکومت» وجود دارد که در آن‌ها، رشته‌های هم‌خانواده‌ای چون حقوق، مدیریت، علوم سیاسی، اقتصاد، و جامعه‌شناسی، شاکله اصلی را صورت‌بندی می‌کنند. این نحو استدلال نیز اساس کار قرار گرفته که امر زمامداری در گرو نیاز به پنج رشته مذکور است. سرنوشت مشابه این پنج رشته در رقم زدن اصول و مبانی حکومتگری است که هر شاخه از امر زمامداری را مدنظر آوریم می‌آورند. بنابراین استفاده از زبان ریاضی لازمه دانش اجتماعی است (۲۶)؛ ردپایی دقیق از یکی از رشته‌های پنج‌گانه فوق در آن دیده می‌شود.

دانش‌آموختگان دانشکده‌های حکومت، به نحوی اصولی در صدد آشتب دادن بن‌ماهیه‌های رشته‌های درسی پنج‌گانه برآمده و این گونه استدلال کردند که زمامداری، فارغ از محتوا و ماهیت سیاسی، حقوقی، مدیریتی، اقتصادی و جامعه‌شناسانه نمی‌تواند باشد و اصولاً توانایی دیرپایی نیز نمی‌یابد. اما در ایران، این پنج‌رشته به مثابة جزایر جدأگانه کمترین ارتباطی

روش تحلیل محتوا، پژوهشگر را قادر می‌سازد که براساس محتوای یک پیام و یا یک متن در مورد سه عنصر دیگر فرآیند ارتباط یعنی فرستنده، گیرنده و وضعیت اجتماعی، نتیجه گیری کند. تحلیل محتوا افزون بر تفسیر و تحلیل توصیفی متن، همبستگی‌های مستتر در متن را مورد تجسس و اندازه‌گیری قرار می‌دهد تا بتواند به کشف وضعیت اجتماعی دست یابد (۲۵). پژوهشگر می‌تواند با مجهز شدن به انواع گوناگون روش‌ها و تکنیک‌های کمی و کیفی پژوهش، به واقعیت‌های بیشتری دسترسی پیدا کند. افزون بر روش‌های کیفی که بر مطالعات فلسفی، جامعه‌شناسانه و تاریخی استوارند، بهره‌گیری از روش‌های کمی سبب ممانعت از جدایی از امر واقع می‌گردد. روش‌های کمی می‌توانند به روایی و اعتبار بیشتر در پژوهش‌ها بینجامند زیرا کیفی‌گرایی یا ذهن‌گرایی محض سبب بهار آمدن نتایجی کاملاً متمایز از بررسی‌های پژوهشی می‌شود که به تدریج پایه‌های دانش را ساخت می‌کند. بررسی‌های کمی نتایج متقن و عینیت‌یافته بهار می‌آورند و قدرت اقناع خود را فقط به اظهارنظرهای فلسفی و کیفیت‌گرا و انمی‌گذارند، بلکه با جستجوی دقیق داده‌ها و یافته‌ها، پیامدهای قابل اتكای عینی توام با اعداد و ارقام پدید می‌آورند. بنابراین استفاده از زبان ریاضی لازمه دانش اجتماعی است (۲۶)؛ به‌ویژه غرق شدن علوم سیاسی در اظهارنظرهای پژوهشی کیفی‌گرا که به شهود و اشراق همانند می‌شوند سبب شده است به تدریج، علوم سیاسی در حد فهم عوام تنزل یابد و هر کس به فراغور حال خود در باب آن اظهارنظر کند، درحالی که پیش از این «اشرف علوم انسانی» خوانده می‌شد. بهره‌گیری‌های ترکیبی از استراتژی‌های چهارگانه پژوهشی استقراری، قیاسی، واپس‌کاوی، استفهمامی (۲۷) با هدف‌هایی چون اثبات تعمیم‌های عام، آزمون نظریه‌ها برای حذف نظریه‌های غلط، کشف‌ساز و کارهای زیربنایی برای

بهتر آن است که در رشته علوم سیاسی به دلیل ماهیت چهارراهی آن در علوم انسانی، به نحوی تغییر داده شود که دانشجو و دانش‌آموخته آن بتواند ضمن کاربست روش‌های تطبیقی، کاستی‌های روندهای رخ داده را بشناسد و در راه رفع آن اقدام کند.

بازنمایی اصل ۴۴ قانون اساسی، واگذاری سهام عدالت، قانون سرمایه‌گذاری خارجی، تغییر تشکیلات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و تغییر تدریجی قوانین انتخاباتی، به‌نهایی نه سیاسی‌اند و نه حقوقی یا مدیریتی یا اقتصادی و یا جامعه‌شناسانه. اما در ترکیب با یکدیگر می‌توان به‌خوبی متوجه شد که رخدادهای مورد اشاره از اتفاق به‌نحوی هم‌زاد، هم سیاسی‌اند و هم حقوقی و مدیریتی و اقتصادی و جامعه‌شناسانه. تغییرشکل و ماهیت برنامه‌ریزی دروس علوم سیاسی، فرهیخته سیاست خوانده را قادر می‌سازد با نگاهی چندوجهی، بهتر از دیگران، کاستی‌های روند زمامداری را بشناسد و برای آن، طرح و برنامه داشته باشد.

۶) افزایش پیوند با نهادهای اداری استان‌ها

دانش‌آموخته علوم سیاسی باید بتواند در نهادهای اداری یک استان به انجام موقفيت‌آميز نمی‌رسد. از دیگر سو، ماهیت برنامه‌ریزی‌شده رشته‌های پنج‌گانه درسی نیز اجازه نمی‌دهد که هیچ‌کدام به‌نهایی به بررسی دقیق نزدیک‌سازی، هیچ پژوهشی در زمینه‌های مورد اشاره به سرانجامی موضع و دلایل وقوع آن‌ها بپردازند.

نتیجه طبیعی چنان شده است که واقعیت‌ها، سرعت گرفته و از پژوهش‌های عمیق به‌نحوی شتابان، گریزان شده‌اند. زیان حاصل از رخداد شتاب‌آلود حوادث، سبب سردرگمی در نظام زمامداری شده و اعتماد به کارآمدی سیستم را دچار کاستی کرده است. نزدیک‌سازی دیدگاه‌ها و انجام پژوهش‌های موردنی/ چندوجهی، می‌تواند بر طرف‌کننده این نقیصه باشد.

به هم ندارند و اصولاً خود را هم‌سرنوشت و هم‌خانواده محسوب نمی‌کنند. در یکی دو سه ساله اخیر رویدادهایی در کشور رخ داده که پژوهش در باب آن‌ها ضروری و در عین حال چندوجهی است. بازتفسیر اصل چهل و چهارم قانون اساسی که از آن به‌نحوی تغییر شده، واگذاری سهام عدالت که از آن به‌عنوان پاسداشت حرمت و کرامت افراد جامعه نام برده شده، سرمایه‌گذاری خارجی که از آن به‌عنوان نماد سلامت اقتصادی و پذیرش اصول و قواعد بین‌المللی ذکر شده، تغییر اساسی در تشکیلات و نمودار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که از آن به‌عنوان انقلاب در نحوده اداره استان‌ها و شیوه تخصیص بودجه یاد شده، و تغییر و تحول‌های مکرر در قوانین انتخاباتی که از آن به‌عنوان سالم‌سازی روندهای انتخاباتی سخن به میان رفته است، هیچ‌کدام به درستی مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته‌اند. از یکسو، بررسی پژوهشی موضوعاتی از قبیل آنچه که ذکر شد نشان‌دهنده دورهم‌نشینی ضروری رشته‌هایی است که هر کدام توانایی تحلیل گوشاهی از واقعیت را دارند و بدون قرابت و نزدیک‌سازی، هیچ پژوهشی در زمینه‌های مورد اشاره به سرانجامی موضع و دلایل وقوع آن‌ها بپردازند.

نظری، هنگامی در ذهن دانشجو حک شده باقی می‌مانند که فرآگیرنده، بتواند محیط عملیاتی را با فرض‌های ثوریک در هم‌دیگر بیامیزد.

۷) تغییر نگرش‌ها و قوانین استخدامی

رشته علوم سیاسی به دلیل ماهیت ثوریک و نداشتن رهیافت‌های عمل‌گرایانه، کمتر در ردیف رشته‌های مورد نیاز برای اشتغال محسوب شده است. نگاهی به آگهی‌های استخدام که توسط دستگاه‌های دولتی و غیردولتی اعلام می‌شود نشان می‌دهد حتی در میان رشته‌های گوناگون علوم انسانی، رشته علوم سیاسی جایگاه چندان مناسبی ندارد و بازار کار در خور نیافته است. تغییر نگرش‌های مربوط به استخدام نیروی انسانی منوط به دو نکته است: یکی آنکه دانشگاه‌ها می‌بایست در انتقال آسیب‌ها و راهبردها به دستگاه‌های اجرایی، فعالانه‌تر عمل کنند و خود را صرفاً مکانی برای آموزش و پژوهش آکادمیک تلقی نکنند؛ دیگر آنکه سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی مانند انجمن علوم سیاسی ایران و کانون‌های فرهیختگان، می‌بایست نقش فعالانه‌تری در ارتباط با شناساندن نقاط قوت دانش‌آموختگان علوم سیاسی به دستگاه‌های اجرایی، بر عهده گیرند. این هر دو، منوط به آن است که در متون، محتوا و شیوه ارائه دروس علوم سیاسی می‌بایست تغییر و تحولی بنیادین پدیدار شود تا فرهیخته علم سیاست بتواند ثوری‌های فرآگرفته را به محیط عمل پیوند زند. در تغییر نگرش، می‌بایست به طریقی عمل کرد که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، هیئت وزیران و مجلس به‌ نحوی توجیه شوند که از یکسو، علوم سیاسی را معارض، معاند، برانداز، ناقد و منفی باف تلقی نکنند؛ و از دیگر سو، دانشجویان و دانش‌آموختگان در آزمون‌های استخدامی از درجه بینش، قدرت تحلیل، قدرت پاسخ‌گویی،

می‌گردد دانشجو و دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران — زیستگاه خود به‌ نحوی آکادمیک آشنا گردد. بنابراین یک فارغ‌التحصیل آشنا به مقتضیات محلی در هنگام اشتغال به کار، نیازمند پی‌جويی و اتلاف وقت در نزدیک ساختن ذهنیت خود به ضرورت‌های بومی نخواهد بود. امری که امروزه رواج تام یافته و یک فارغ‌التحصیل به دلیل بومی‌نبودن و یا عدم آشنایی آکادمیک با بایستگی‌های محلی، در هنگام اشتغال به کار مدت مديدة را تنها صرف شناسایی مختصات بومی و فرهنگی شهر محل اشتغال می‌نماید.

تجربه‌های اداری مدیران گوناگون استان که همگی به‌ نحوی در امر مدیریت شهر دخیل‌اند می‌بایست با حضور استاد و به‌ نحوی آکادمیک به کلاس‌های درس منتقل شود. این امر سبب می‌گردد دانشجو به‌ نحوی مشارکت‌جویانه با مشکلات شهر خود آشنا شود، با مدیران احساس هم‌دلی و همدردی کند، راه حل‌هایی را که به نظرش می‌رسد با دلسوزی ابراز نماید و از نقش یک شهروند معتبرض فاقد آگاهی به نقش یک شهروند آگاه و دلسوز که اهل تدبیر و همیاری است تغییر موضع دهد. نهایت آن که در خشک و بی‌روح ثوریک، جذابیت کاربردگرایانه می‌یابد و فرد را آماده ورود به بازار کار می‌نماید.

دانشجویان باید موظف شوند که به‌طور عملی و از نزدیک با محیط‌های اداری آشنا شوند، در آن حضور بی‌ابند، شیوه رتق و فتق امور را فرآگیرند و به‌ نحوی مشارکتی در ارائه راه حل‌ها دخیل شوند. این امر سبب شکل‌گیری شخصیت دانشجو به‌ عنوان فردی پخته و آگاه می‌گردد و او را از مقام یک طلب‌کار نقزن به یک همراه همدرد مبدل می‌سازد. در عین حال مباحثت

خود است. تغییر قوانین استخدامی می‌بایست شرایط و فرصت‌های بهتری را برای دانش‌آموختگان علوم سیاسی فراهم آورد به شرط آنکه اهالی علم سیاست نیز به حیثیت‌های عمل‌گرایانه خود بیفزایند. اشتغال به خودی خود عبارت است از شرکت فعالانه هر انسان در طول عمر خویش در نقادان معارضه‌جو. اما قوانین استخدامی نیز می‌بایست منطبق بر نیازها و پیشرفت‌های زمانه، تغییر یابند و فرصت‌های دست‌کم برابری را برای دانش‌آموختگان تمامی رشته‌های درسی علوم انسانی فراهم آورند. از این پس نظر، طبقه‌بندی مشاغل^۱ به معنای دسته‌بندی اصولی مشاغل در طبقات معین و مشخص بر حسب وظایف و مسئولیت‌ها و شرایطی که برای احراز هر شغل لازم است (۲۸)، می‌بایست تغییر یابد. به این منظور طرح طبقه‌بندی مشاغل که اصطلاحی برای بیان یک نظام متعددالشكل در زمینه طبقه‌بندی پست‌های سازمانی در یک سازمان است و شامل مشخصات طبقات شغلی یا شرح وظایف، جدول گروه و پایه، مقررات و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به آن می‌گردد، می‌بایست براساس معیارها و موازینی همچون ماهیت و تنوع کار، نظارت مقام مافوق، قوه ابداع برای انجام کار، تماس مشاغل با یکدیگر، شرایط محیط کار، صعوبت انجام کار و شرایط احراز شغل از حیث تحصیلات، تجربه، دانایی و مهارت، متحول گردد. ترک یک سازمان اداری توسط یک دانش‌آموخته علوم سیاسی به طرزی عمدۀ ناشی از آن است که وی نمی‌تواند آموخته‌های نظری خود را در محیط‌های عملیاتی پیدا کند. بنابراین به تدریج متوجه می‌شود که سازمان آنچه را که او جستجو می‌کرده است ارائه نمی‌دهد (۲۹)، زیرا سازمان در پی حل و فصل کاربردی معضلات درون و برون امور امنیتی به تخصص دانش‌آموختگان علوم سیاسی، اعلام نیاز شده است؛

استدلال و ارائه راهکار بیشتری نسبت به همتایان خود برخوردار باشد. بنابراین تغییر نگرش‌های استخدامی منوط به تعامل سازنده و پویای ساخت قدرت، نهادهای مدنی و دانشگاه‌های است. علوم سیاسی خوانده‌ها، از این پس می‌بایست در نقش آسیب‌شناس ظاهر شوند و برنامه‌ریز، و نه در نقش پیشرفت‌های زمانه، تغییر یابند و فرصت‌های دست‌کم برابری را برای دانش‌آموختگان تمامی رشته‌های درسی علوم انسانی فراهم آورند. از این پس نظر، طبقه‌بندی مشاغل^۱ به معنای دسته‌بندی اصولی مشاغل در طبقات معین و مشخص بر حسب وظایف و مسئولیت‌ها و شرایطی که برای احراز هر شغل لازم است (۲۸)، می‌بایست تغییر یابد. به این منظور طرح طبقه‌بندی مشاغل که اصطلاحی برای بیان یک نظام متعددالشكل در زمینه طبقه‌بندی پست‌های سازمانی در یک سازمان است و شامل مشخصات طبقات شغلی یا شرح وظایف، جدول گروه و پایه، مقررات و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به آن می‌گردد، می‌بایست براساس معیارها و موازینی همچون ماهیت و تنوع کار، نظارت مقام مافوق، قوه ابداع برای انجام کار، تماس مشاغل با یکدیگر، شرایط محیط کار، صعوبت انجام کار و شرایط احراز شغل از حیث تحصیلات، تجربه، دانایی و مهارت، متحول گردد. ترک یک سازمان اداری توسط یک دانش‌آموخته علوم سیاسی به طرزی عمدۀ ناشی از آن است که وی نمی‌تواند آموخته‌های نظری خود را در محیط‌های عملیاتی پیدا کند. بنابراین به تدریج متوجه می‌شود که سازمان آنچه را که او جستجو می‌کرده است ارائه نمی‌دهد (۲۹)، زیرا سازمان در پی حل و فصل کاربردی معضلات درون و برون

- مطالعات منطقه‌ای به دلیل تکیه بر رهیافت‌های نظری و پژوهش‌های مقایسه‌ای به طرزی هم‌زاد، به کاربردی‌تر شدن برآیند پژوهش‌ها کمک می‌کند و به حضور زود بازده در محیط‌های کاری منجر می‌گردد. زیرا پژوهش‌های مقایسه‌ای/منطقه‌ای، به صورت ابتدا به ساکن به رهیابی به رهیافت‌های عملی برای تصحیح مسیر مرتبط می‌شود و هر فردی به صورت یک پژوهشگر، دیگری را آینه خود می‌پندارد و به سرعت در صدد رفع کاستی‌ها و کژی‌های خود برمی‌آید.

نمونه‌ای از مطالعات منطقه‌ای/مقایسه‌ای به مسئله توسعه و صنعتی‌شدن کشورهای هم‌سرنوشت و یا کشورهای تازه توسعه‌یافته و تازه صنعتی‌شده مرتبط می‌شود. انتقال تجربه‌های عملیاتی آزمون‌شده در پروسه صنعتی‌شدن و توسعه‌یافتنگی کشورهای همسنخ و هم‌گروه ما، به محیط‌های کلاس درس دانشگاهی، سبب می‌شود دانشجویان به‌ نحوی عملیاتی به پتانسیل‌ها و معضلات توسعه در سایر کشورها دسترسی یابند و آن را معتبری برای پنداموزی خود در مسیر توسعه کشور خود قرار دهند. بنابراین می‌توان با تحقیق‌های مشارکتی و گروهی هم به فهم چگونگی توسعه‌یافتنگی و صنعتی شدن کشورهای دیگر پرداخت، و هم امکان کاربست تجربه‌ها با توجه به ویژگی‌های بومی/محیطی، فراهم می‌آید. ارتباط با سفارت‌خانه‌ها، کارشناسان و متخصصان کشورهای توسعه‌یافته و یا فراهم آوردن امکان مسافرت‌های علمی/گروهی استادان و دانشجویان به این کشورها سبب می‌شود دانش‌آموختگان از طریق مشاهده مستقیم با نکته‌های مثبت و منفی توسعه‌یافتنگی آشنا شوند. این آشنازی امکان عملی تکرار نکات مثبت و عدم تکرار نکات منفی را در پروسه توسعه کشور ما فراهم می‌آورد. در این روند، دانش‌آموختگان علوم سیاسی نقش یک ناظر فعال و مشاهده‌گر

در حالی که رشته‌هایی مانند برنامه‌ریزی بودجه، مشاور، برنامه‌ریزی، مطالعات اجتماعی، امور اجتماعی و اقتصادی روستایی، امور انتظامی، و روابط عمومی از قلم افتاده‌اند.

۸) تمرکز و دقیق‌بیشتر بر دروس مطالعات منطقه‌ای

گرایش به مطالعات منطقه‌ای پیامد بازخیزی همگرایی‌های منطقه‌ای و در واکنش به روند پایان‌نایپذیر و دیرین جنگ‌های ایدئولوژیک و اقتصادی میان ابرقدرت‌ها (۳۴) بوده است. توصیه به افزایش گرایش به رشته مطالعات منطقه‌ای به دلایل زیر موجه و منطقی جلوه می‌کند:

- مطالعات منطقه‌ای به دلیل اشراف یافتن محقق بر موضوعات پژوهشی خرد، سبب افزایش قدرت تحلیل سیاسی می‌شود؛

- مطالعات منطقه‌ای امکان پژوهش‌های مقایسه‌ای را در زمینه‌های بسیار گوناگون فراهم می‌آورد که به عمق تحلیل و شناسایی دقیق رهیافت‌ها، راهبردها و راهکارها منجر می‌گردد؛

- مطالعات منطقه‌ای به دلیل گستردگی موضوعات و قلمروهای پژوهشی سبب می‌شود طرح و برنامه‌های محققانه از حالت انفرادی خارج و شکل گروهی را به خود بگیرد. این امر سبب می‌شود پژوهش‌های مشارکت‌جویانه، میدانی و پیمایشی با دقیق‌بیشتری صورت پذیرد و به ژرف‌نگری محققانه منجر گردد؛

- از برآیند مطالعات منطقه‌ای می‌توان کاستی‌های خود را شناسایی نمود و از آن پس، محقق می‌تواند با فراهم آوردن جنبه‌های عملیاتی برآمده از تحقیق‌های مقایسه‌ای نشان دهد که چه راهبردها و راهکارهایی برای رفع کاستی‌های امور عمومی کشور می‌توان پیشنهاد نمود؛

۶۱۲ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران — مداخله‌جو را دارند نه ناظران بی‌طرفی که صرفاً به مباحث تئوریک و خواندن متون پردازند.

(۱۱) تغییر مقررات و آیین‌نامه‌های پژوهشی دانشگاه‌ها

پژوهش در رشته‌های علوم انسانی ماهیتاً با رشته‌های علوم پایه، تجربی و فنی/ریاضی متفاوت است. ولی اکنون آیین‌نامه‌های مشابهی بر تمامیت روال پژوهش‌های دانشگاهی حاکمیت دارد. تدوین آیین‌نامه مجزا و اختصاصی پژوهش در علوم انسانی سبب بالندگی آن می‌گردد. زیرا ماهیت علوم اجتماعی، اکنون در زیر سیطره فنی‌گرایی و مهندسی‌پروری، خدشه‌دار شده است. در این آیین‌نامه می‌باشد رسم منسخ دستیاری دوباره احیا شود و دانشجو ضمن به کارگرفته شدن در پروژه‌های پژوهشی استادان، هم دستمزدی برای تشویق شدن دریافت دارد و هم به صورت عملی یاد بگیرد که چگونه می‌توان پرسش‌ها و معضل‌یابی‌ها را به مبنای پژوهش مبدل ساخت.

(۱۲) فعال‌سازی هسته‌های کارآفرینی

کارآفرین کسی است که از طریق خلاقیت، ابداع، آینده‌نگری و اکتشاف می‌تواند فرصت‌های کاری اطراف خویشن را شناسایی نماید (۳۵). کارآفرینان کسانی هستند که از نظر مالی مستقل‌اند، به بازار فروش خلاقانه می‌اندیشند، به شهرت وفادارند و به شانس ثروتمند شدن ایمان دارند. اما به هر جهت سبب ایجاد فرصت‌های شغلی برای دیگران نیز می‌شوند. فرهیخته علوم سیاسی باید به طرزی دانش/فن را فراگرفته باشد که بتواند با درک موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی روز، فرصت کار برای خود و دیگران فراهم کند. در راه ایجاد هسته‌های کارآفرینی ویژه رشته‌های علوم انسانی

(۹) کاهش پذیرش دانشجو

پذیرش دانشجو در ایران تبدیل به یک معضل شده است. هفتادو دو درصد از داوطلبان از نظام فعلی پذیرش دانشجو ناراضی هستند (۳۵). به نظر می‌رسد روند افزایش ظرفیت‌های دانشگاه‌ها به طرزی بی‌محابا، سبب شده است کیفیت آموزش و پژوهش افت کند. راه حل اولیه همانند کترل جمعیت، عبارت از کاهش پذیرش دانشجو و افزایش سطح کیفی آموزش‌ها و پژوهش‌ها و امکانات مربوط به انجام پروژه‌های تحقیقاتی زود بازده و درازمدت است.

(۱۰) حذف کارشناسی ارشد علوم سیاسی مختص

آنچه که دانش‌آموخته دوره کارشناسی علوم سیاسی آموخته تا اندازه‌ای کافی است که نخواهیم در دوره تحصیلات تکمیلی باز هم به نام «علوم سیاسی»، کارشناسی ارشد داشته باشیم. بهتر است علوم سیاسی تنها ویژه دروغ کارشناسی باشد و در مقاطع بالاتر به طرف تخصصی کردن آموزش‌ها و پژوهش و میان رشته‌ای کردن تحصیلات تکمیلی پردازیم. کارشناسی ارشد فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی اسلام، مسائل ایران، سیاست‌گذاری عمومی، روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای، دیپلماسی، جامعه‌شناسی سیاسی، اقتصاد سیاسی، سازمان‌های بین‌المللی، روان‌شناسی سیاسی، نظام‌های انتخاباتی، سیاست تطبیقی، مطالعات حقوق بشر، مطالعات زنان، مطالعات امنیتی، مطالعات قومی، مدیریت سیاسی و رشته‌هایی از این دست

کارشناسی ارشد نظام های سیاسی مقایسه‌ای: کسب آگاهی از طریق گردآوری اطلاعات لازم، یافتن معیار برای درک وجوه تشابه و تمایز، و به دست آوردن چارچوب کلی برای پیش‌بینی پدیده‌ها، اهداف پژوهش‌های تطبیقی به شمار می‌روند. تجزیه و تحلیل تطبیقی توانایی ما را برای تشریح و درک فرآیندهای سیاسی و دگرگونی سیاسی هر کشور دو چندان می‌سازد. رویکرد تطبیقی همچنین ما را به تدوین نظریه‌های کلی درباره مناسبات سیاسی وامی دارد و برای آزمون نظریه‌های سیاسی خودمان، از طریق مطابقت دادن آن‌ها با تجربه مجموعه گسترده‌ای از نهادها و شرایط، در ما ایجاد انگیزه و توانایی می‌کند (۳۹)؛

کارشناسی ارشد نظام‌های انتخاباتی؛

کارشناسی ارشد مطالعات امنیت ملی؛

کارشناسی ارشد مطالعات استراتژیک؛

کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای؛

کارشناسی ارشد سیاست‌گذاری عمومی؛

کارشناسی ارشد اقتصاد سیاسی (۴۰)؛

کارشناسی ارشد حکومت محلی: حکومت محلی موجودیت سازمان یافته است که دارای مشخصه‌های حکومتی بوده و از استقلال اداری و مالی (ونه سیاسی) قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد که هدف از ایجاد آن ارائه خدمات عمومی به مردم محل با حداکثر کارآیی و اثربخشی است (۴۱). انجام آموزش مطالعاتی، تهیه گزارش مربوط به پیشینه موضوع، گزارش‌های کارشناسی موردی و گزارش‌های چندگزینه‌ای (۴۲) نشان می‌دهند که یک دانش‌آموخته علوم سیاسی که در دوره تحصیلات تکمیلی به رشته درسی میان‌رشته‌ای وارد شود بهتر می‌تواند در بازار کار به شغل مرتبط با تخصص خود دست یابد؛

(۱۳) ورود برنامه‌ریزی شده دیپلمه‌های تجربی / ریاضی به علوم سیاسی ذهنیت دانشجویان علوم سیاسی که دیپلم خود را در رشته علوم انسانی دریافت کرده‌اند به علت ضعف تکنیک‌ها و محتواهای علوم انسانی در آموزش و پرورش، خلاقانه و منطقی نیست. یک راه حل تاکتیکی عبارت از ورود درصد معینی از دیپلمه‌های درس خوان رشته‌های تجربی و ریاضی به رشته علوم سیاسی است. زیرا با توجه به ذهن تا حدودی منطقی و هدفمند دانش‌آموختگان ریاضی / تجربی، ورود آنان به رشته علوم سیاسی دانشجویان را وادار به رقابت و فرآگیری فنون جدید می‌کند.

(۱۴) تأکید بر تاسیس و راهاندازی دوره‌های کارشناسی ارشد میان‌رشته‌ای کارشناسی ارشد حقوق اساسی: حقوق اساسی از رشته‌ها و شاخه‌های پر ثمر حقوق است که به پیوند دولت و حکومت با نظام و سازمان سیاسی و گروه‌های سیاسی و شهروندان (۴۳) مختص می‌شود. گزینش دانشجو در این رشته سبب آشنایی او با فنون اداره سیاسی، مدیریت عمومی، احزاب سیاسی، انتخابات، گروه‌های ذی‌نفوذ و نهادهای مدنی می‌گردد. واقعیت‌های ملموس همچون تجربه‌های عملی در کمیسیون‌های پارلمانی اعم از پیشنهاد موضوع‌های مطالعاتی، تهیه گزارش مربوط به پیشینه موضوع، گزارش‌های کارشناسی موردی و گزارش‌های چندگزینه‌ای (۴۴) نشان می‌دهند که یک دانش‌آموخته علوم سیاسی که در دوره تحصیلات تکمیلی به رشته درسی میان‌رشته‌ای وارد

راهکارهای بهینه / کاربردی‌سازی علوم سیاسی... ۶۱۷ / تحصیل کردگان زبان‌دان در باغ مصفای دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی واقع در نیاوران براساس تلکس خبرگزاری‌ها و گزارشات رادیو بی‌بی‌سی و تلویزیون سی‌ان‌ان و امثال‌هم درک می‌کنند با آن‌چه که یک دیپلمات از میدان عمل گزارش می‌کند (۴۶). دانش‌آموخته علوم سیاسی اگر بتواند فنون دیپلماتیک را عمل‌آفرایی‌گردد تبدیل به گزارشگری فهیم و دقیق می‌شود که از منافع کشور خود در خاک میزبان به نحو هوشمندانه‌تری دفاع خواهد کرد.

کارشناسی ارشد سازمان‌های بین‌المللی: سازمان‌های بین‌المللی به موجب یک «سنده تاسیس»، ایجاد و به تجمعی از دولت‌ها اطلاق می‌گردد که براساس یک معاهده تشکیل می‌شود و اعضای آن اهداف مشترکی را در چارچوب نهادها و کارگزاری‌های ویژه با فعالیت مستمر و مداوم دنبال می‌کنند (۴۷). آشنایی تئوریک و عملیاتی با نظریه‌های بنیادین مربوط به صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی، آشنایی با سازمان ملل متحد و سازمان‌ها و کارگزاری‌های وابسته آن، چگونگی کار شورای امنیت و آشنایی با نحوه کارسازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد، دانش‌آموخته علوم سیاسی را به شرط آشنایی مکفی با زبان انگلیسی، متبحر در امر اشتغال در سازمان‌های بین‌المللی می‌کند.

کارشناسی ارشد مالیه عمومی و بودجه‌نویسی: مالیه عمومی و حقوق مالی جزیی از «فنون حقوق عمومی» (۴۸) و مربوط به تنظیم پیوندهای حکومت‌گرانه ساخت حکومت و شهروندان است. امروزه ناتوانی در ایجاد ارتباط میان سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی یکی از ضعف‌های اساسی در مالیه عمومی به خصوص در کشورهای در حال توسعه است (۴۹). فقدان سازوکار کارآمد در امر پیوند دادن سه مقوله فوق سبب نارسایی‌های فراوان شده که بخشی از آن به دلیل نبود نیروهای متخصص است که بتوانند به شیوه‌ای میان رشته‌ای و به نحوی آکادمیک به معضلات

محلى وارد شود و از عهده کارهای متفاوت آن برآید. وجهه گوناگون مدیریت شهری و شهرداری و اهمیت غیرقابل انکار مسئله «شهر» (۴۲) سبب می‌شود یک دانش‌آموخته علوم سیاسی خود را نیازمند شناسایی اشکال گوناگون حکومت شهری از قبیل تفویض اختیار، تراکم‌زدایی، تمرکز‌زدایی و انتقال قدرت بینند؛

کارشناسی ارشد حقوق اداری: موضوع حقوق اداری مطالعه سازمان و فعالیت دستگاه اداری است. حقوق اداری شاخه‌ای نوپا از حقوق عمومی داخلی، قابل امتزاج با علوم سیاسی و به معنای مجموعه قواعد حقوقی متمایز و پراکنده‌ای که حقوق و تکاليف سازمان‌های اداری دولت خصوصاً سازمان‌های اجرایی آن و روابط آن‌ها با مردم را تعیین می‌کند (۴۳). انجام خدمات عمومی و حفظ نظام عمومی، ویژگی اصلی حقوق اداری است. هنگامی که از اصلاح ساختار نظام اداری ایران، و گزینش میان دو نظریه اعمال حاکمیت یا اعمال تصدی (۴۴) سخن به میان می‌آید دقیقاً به نظریه‌های سیاسی مربوط به ماهیت دولت، ساختار و کارویژه‌های آن اشاره می‌گردد. فraigیری حقوق اداری در امتزاج با مبانی نظری و عملی علوم اداری و موانع ساختاری اصلاح و بهینه‌سازی آن آشنا می‌گردد؛

کارشناسی ارشد دیپلماسی: یادگیری ژرفنگر و کاربردی ارکان روابط دیپلماتیک، مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک، صلاحیت‌های دیپلماتیک و کنسولی و مصونیت‌ها و مزایای کنسولی (۴۵) سبب می‌شود فرهیخته علوم سیاسی با سرعت بسیار بیشتری در محیط‌های دیپلماتیک و کنسولی مشغول به کار گردد. نگاه عمل گرایانه به مقوله دیپلماسی و اداره امور کنسولی حاوی و اجد یک امتیاز ویژه است: فرق است میان آن‌چه که گروهی از

وقوف پیدا کنند و راه حل‌هایی برای رتق و فقط امور بیابند. منبع اصلی تامین هزینه‌های دولتی برای اداره کشورها، مالیات است. به همین دلیل دولتها اقدام به برنامه‌ریزی برای صرف درآمدها و هزینه‌ها می‌کنند و یا به تعییری به بودجه‌ریزی می‌پردازند. بودجه کوششی برای تخصیص منابع مالی از خلال فرآیندهای سیاسی در خدمت راه‌های گوناگون زندگی یا چهره مالی مدیریت عمومی کشور (۵۰) است. آشنایی عملی با فنون و ظرایف آن سبب می‌شود دانش‌آموخته علوم سیاسی بتواند در فرآیند سیاست‌گذاری منجر به برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی به نحو فعلانه دخیل شود. بررسی قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۵۱) نشان می‌دهد که می‌توان با فرآگیری فنون مالیه عمومی و بودجه‌نویسی و با در نظر داشتن دانش حقوقی و سیاسی حتی در اصلاح مسیرهای غلط پیموده شده سیاست‌ها و مقررات مالی دخیل شد و قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت را با استواری بر معیارها و اصول علمی و استحکام منطقی، مکتوب کرد. (۵۲)

۱۵) تشکیل اتاق فکر

مخازن اندیشه نهادهایی معرفی می‌شوند که در گیر تحقیقات سیاسی، تحلیل و فعالیت‌های عمومی هستند. این سازمان‌ها به شکاف میان دانش محققان و قدرت سیاست‌گذاران و سایر رهبران سیاسی پل می‌زنند. (۵۳) در اندیشه‌کده‌ها، گروهی از متخصصان برای پژوهش‌ها و تحلیل‌های میان‌رشته‌ای گردهم می‌آیند تا بتوانند با ارائه راه حل‌ها، نقش ویژه‌ای را در فرآیند سیاست‌گذاری برای خود فراهم آورند.

اتاق‌های فکر مستقل از حکومت‌اند و موضوعات پژوهش را مستقلانه طراحی می‌کنند و وام‌دار مجموعه‌های بیرونی نیستند. مخازن اندیشه سعی

می‌کنند بودجه خود را از منابع گوناگون تامین کنند تا به وحدانیت و استقلال فکری‌شان صدمه‌ای وارد نیاید. تشکیل تعاونی وار اتاق فکر توسط دانش‌آموختگان علوم سیاسی، آنان را به تدریج به مرجع مورد قبول برای ارائه راه حل‌ها و خط مشی‌ها به ساختار قدرت سیاسی مبدل می‌کند.

۱۶) حذف امکان تربیت دانشجوی علوم سیاسی و رشته‌های وابسته آن توسط ارگان‌ها، نهادها و سازمان‌هایی غیر از وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، و دانشگاه‌ها

۱۷) تشخیص و تمایز علوم سیاسی در دانشگاه‌های گوناگون اکنون علوم سیاسی در ایران یکسان و هم‌شکل شده است و هیچ تفاوتی میان دانشگاه‌های کشور از حیث متون، محتوا، منابع و برنامه‌ریزی درسی وجود ندارد. این همانندی سبب تکرار یکدستی‌ها شده و از جذایت دانشگاه‌ها در مقایسه با هم‌دیگر کاسته است. بهتر است با توجه به مقتضیات محیطی/بومی، علوم سیاسی در هر دانشگاهی معطوف به اندیشه‌ها، سنن، عرف، فرهنگ، باورها و تاریخ هر منطقه گردد و به اصطلاح، علوم سیاسی در هر دانشگاهی واجد صفت مکتب^۱ یا سبک^۲ ویژه گردد. این امر سبب کاهش سردرگمی‌ها و تکرارها می‌شود و استاد و دانشجو مطابق باورها و علایق خود می‌توانند دانشگاهی را انتخاب کنند که به ایستارهای فرهنگی‌شان قرابت داشته باشد.

۱۸) واحد کارورزی جدائگانه

بهتر است درس کارورزی به عنوان یک از دروس اصلی در برنامه دروس

۲۰) شناور شدن دروس دوره کارشناسی علوم سیاسی بهتر است مطابق علایق گوناگون دانشجویان دوره کارشناسی علوم سیاسی، دروس از حیث ماهیت و نوع شناور شوند. این شناور شدن با توجه به محتوا و برنامه‌ریزی دروس دوره کارشناسی ارشد و دکتری می‌بایست صورت گیرد. به این معنا که اگر دانشجویی علاقه‌مند به ادامه تحصیل در رشته فلسفه سیاسی بود دیگر مجبور نباشد واحدهای غیرمرتبط بسیاری را در دوره لیسانس بگذراند بلکه از همان آغاز، مطابق علایق خود، به انتخاب واحدهای درسی مرتبط پردازد؛ فردی که علاقه‌مند به سیاست‌گذاری، حقوق اداری، نظام انتخاباتی، سیاست مقایسه‌ای و یا رشته‌هایی از این دست است دیگر مجبور نباشد واحدهای بیهوده بگذراند. شناور شدن دروس به قدرت انتخاب دانشجو می‌افزاید، او را از همان آغاز رشید و آینده‌نگر بارمی‌آورد، سیستم آموزشی را منضبط می‌سازد، آموزش و پژوهش را ژرف‌نماید، و این امکان را به فرهیخته دانش‌آموخته می‌دهد که با بنیان قوی و مستحکم به پژوهش در دوره تحصیلات تكمیلی پردازد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ازغندی، علیرضا، علم سیاست در ایران، تهران: انتشارات باز، چ2، ۱۳۸۲. ص ۱۲۹.
۲. بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاسی نظری و تأییی)، تهران: انتشارات نگاه معاصر، چ3، ویرایش جدید، ۱۳۸۲. ص ۲۱.
۳. حشمت‌زاده، محمدباقر، «کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی؛ مدخلی بر بازنگری علوم سیاسی در ایران»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۵. ص ۱۲۴.
۴. دکتر حشمت‌زاده، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، بر این باور است که می‌بایست با سناریوسازی از پدیده‌های سیاسی مانند شورا، دادگاه، کاینه و سایر نهادهای رهگذر دست‌کم برای اعضای آن روشن می‌گردد.

علوم سیاسی گنجانده شود تا دانشجو بتواند به نحوی عملیاتی و کارگاهی در شناخت پدیده‌های سیاسی نقش‌آفرینی کند. تجربه کارگاههای نهادهای مدنی و حقوق بشر (۵۴) و یا بهره‌گیری از تمرینات شبیه‌سازی یا بازی نقش‌ها که در آن دانشجو با به‌عهده‌گرفتن نقش‌های متعدد و اجرای سناریوهای از پیش تنظیم‌شده فضای واقعی جهان سیاست را نمایش داده و با این عمل، ضمن یادگیری و آموزش وظایف سازمان‌ها، اشخاص و ارگان‌ها، توانایی‌های بالقوه خویش را نیز شکوفا می‌سازد (۵۵). کارورزی فنون تحلیل سیاسی با تکیه بر تعاریف، مثال‌ها، قضیه‌ها و مسئله‌ها (۵۶) و با در نظر گرفتن الگوهای عقل‌گرایی، نهادگرایی جدید، سازه‌گرایی و رفتارگرایی (۵۷) می‌تواند دانشجوی علوم سیاسی را با قدرت و آمادگی بیشتری وارد کارزار میدان اشتغال کند.

امکان وجود کارورزی در حد محدود در هر درس

هر گونه اندیشه نو درباره امکان عملیاتی کردن دروس علوم سیاسی، به فرهیخته آن کمک می‌کند تا بدون استرس و با تکیه بر اعتماد به نفس فراهم آمده از تجربه‌های مکرر کارهای عملی کلاسی، بتواند وارد بازارکار شود. این امر به عهده استاد و نظام آموزشی است که تا جایی که امکان دارد بکوشند دروس علوم سیاسی را به آمیزه دانش و عمل مبدل سازند. مشخصات و نقش‌ها و کارکردهای نهادهای مدنی (۵۸) هنگامی می‌تواند به طرزی صحیح و پایدار آموخته شود که به طرز عملی تجربه‌های دانشجویان و حتی مردم عادی از عضویت در نهادهای مدنی غیردولتی به بحث‌های میان گروهی گذاشته شود. نقاط ضعف و قوت نهادهای مدنی از این رهگذر دست‌کم برای اعضای آن روشن می‌گردد.

- ۶۲۳ / سیاسی... / راهکارهای بهینه / کاربردی‌سازی علوم سیاسی —
۱۶. افتخاری، اصغر، «سیر تحول مطالعات استراتژیک؛ روندهای جهانی و تجارب ایرانی»، در: پژوهشکده مطالعات راهبردی، استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران: مجموعه مقالات اولین همایش مطالعات راهبردی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴، ص ۲۸.
 ۱۷. روشن‌دل، جلیل، «حول در مفهوم استراتژی»، در: مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، سید علی قادری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰. صص ۲۴۹ - ۲۳۵. ص ۲۴۷.
 ۱۸. اولسون، دیوید، نهادهای مردم‌سالار قانون‌گذاری (دیدگاهی مقایسه‌ای)، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲. ص ۲۳.
 ۱۹. مولر، پیر، سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: دادگستر، ۱۳۷۸. ص ۱۱.
 ۲۰. همان. ص ۳۰.
 ۲۱. ایوبی، حجت‌الله، اکثریت چگونه حکومت می‌کنند؟، تهران: سروش، ۱۳۷۹. ص ۳.
 ۲۲. مانهایم، یارول؛ ریچ، ریچارد، روش‌های تحقیق در علوم سیاسی: تحلیل تجربی، ترجمه لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷. ص ۸۴.
 ۲۳. مارشال، کاترین؛ راسمن، گرچن ب.، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسا‌یان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷. ص ۱۴۸.
 ۲۴. رفیع پور، فرامرز، کند و کاوه و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۱۰، دوم، ۱۳۸۲. ص ۲.
 ۲۵. اتسلندر، پتر، روش‌های تحقیق اجتماعی، ترجمه بیژن کاظم‌زاده، مشهد: مجیدی، تهران: مازیار، ۱۳۸۲.
 ۲۶. ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد سوم: روش‌های کمی، فنون و ابزار پیشرفته پژوهش، تهران: دیدار، ۱۳۸۲. ص ۱۰.
 ۲۷. بلیکی، نورمن، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴. ص ۱۳۶.
 ۲۸. ابطحی، سید حسین؛ مهروزان، آرش، طبقه‌بندی و ارزشیابی مشاغل: مدیریت حقوق و دستمزد، تهران: صبا، ۱۳۷۲. ص ۷۴.
 ۲۹. چمران، محمد‌هادی، ارزشیابی مشاغل، تهران: مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۷۹. ص ۱۹.

- ۶۲۲ / بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران —
- سیاسی، به آزمون‌های عملیاتی پرداخت و قدرت تدبیر، سازماندهی و کنترل رانزد دانشجویان فراگیرنده علوم سیاسی پرورش داد. به همین دلیل در کارگاه و آزمایشگاه علوم سیاسی از دو تکنیک میز گرد و طوفان مغزی بهره گرفته‌اند: صندلی‌های کلاس در هر جلسه به شکل میز گرد چیده می‌شد. همین امر امکان و انگیزه مباحثه و مشارکت جمعی را به طور محسوس بالا برد و بعض‌اً این احساس به حضار القاء می‌شد که اینجا شیوه یک جلسه تصمیم‌گیری و اقدام مستولان و مقامات است و هر نفر باید نقشی به عهده گیرد و به طور جمعی مسائل ملی و کلان را مورد تشخیص و تصمیم‌گیری قرار دهنده. بنگرید به: حشمت‌زاده، همان، ص ۱۱۷.
۵. همان، ص ۱۱۸.
 ۶. معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان، ستاد سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی درسی، مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی علوم سیاسی مصوب یکصد و پنجمین جلسه شورای دانشگاه مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۴، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲، ص ۲.
 ۷. بشیریه، حسین، همان. صص ۸۰ - ۶۱.
 ۸. بزرگر، ابراهیم، «نگاهی به سرفصل‌های درسی رشته علوم سیاسی»، سخن سمت، شماره ۸، ۱۳۸۰. ص ۱۰۷.
 ۹. کوهن، مارتین، ۱۰۱ مسالة فلسفی، ترجمه امیر غلامی، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۸۲. ص ۲.
 ۱۰. مورتون، ادم، فلسفه در عمل: مدخلی بر پرسش‌های عمدۀ، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: مازیار، ۱۳۸۲.
 ۱۱. هیت، مری، مار و رویا: مقدمه‌ای بر منطق، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: مازیار، ۱۳۸۵.
 ۱۲. هیئت علمی فصلنامه اقتصاد سیاسی، «مکتب‌های اقتصاد سیاسی»، اقتصاد سیاسی، سال ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲. ص ۹.
 ۱۳. فیضی، طاهره، مبانی مدیریت دولتی، بی‌جا: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۱. ص ۹.
 ۱۴. جمراضی فراهانی، علی‌اصغر، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۴. ص ۹.
 ۱۵. بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هرآس، ترجمه گروه ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸. ص ۳۹۹.